

روایت ناصر ایمانی

از موضع مخالفان تفاهم؛

برجسب‌های «سازشکار» و «جنگ طلب» را کنار بگذارید

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص نقش تندروها در حاکمیت و مخالفتشان با تفاهم ایران و آمریکا اظهار داشت: همان طور که از منتقدان متن تفاهم نامه و مذاکرات می‌خواهیم از اتهام‌زنی پرهیز کنند، از سوی دیگر نیز نباید به این افراد اتهام زد که مثلاً منافعشان به خطر افتاده یا انگیزه‌های دیگری دارند. باید به دیدگاه‌های مختلف احترام گذاشت. یک نگاه این است که باتوجه به تجربه مذاکرات ۲۵ سال گذشته با غرب و ایالات متحده آمریکا که عمدتاً ناموفق بوده و حتی در دو مقطع نیز به جنگ منتهی شده است، اکنون در شرایطی نیستیم که تصور کنیم طرف مقابل به این نتیجه‌رسیده که از طریق مذاکره می‌خواهد منافع ملت ایران را تأمین کند. خبر آنلاین نوشت: ناصر ایمانی گفت: از منظر این گروه، دشمن در یک دوره گذار و برای عبور از مشکلات فعلی خود پیشنهاد مذاکره و تفاهم نامه را مطرح کرده و پس از گذشت چند ماه، دوباره به همان رویکرد گذشته بازخواهد گشت. این یک دیدگاه است؛ دیدگاهی که قابل احترام و بررسی است و نمی‌توان آن را به‌سادگی رد کرد. ووی افزود: در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است ایران می‌تواند در این مقطع با امضای یک تفاهم‌نامه، نوعی مشروعیت و پشتوانه بین‌المللی ایجاد کند. در این صورت، اگر در آینده دشمن مجدداً دست به اقدام نظامی بزند یا به تعهدات خود عمل نکند، ایران می‌تواند با استناد به همان تفاهم‌نامه، حقانیت خود را در سطح جهانی اثبات کند. علاوه بر این، چنین فضایی فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های نظامی و اقتصادی کشور نیز فراهم می‌کند. این هم یک دیدگاه دیگر است. این فعال سیاسی بیان کرد: بنابراین امروز در نگاه متفاوت درباره تأمین منافع کشور وجود دارد. همان‌طور که نمی‌توان به منتقدان مذاکره اتهام زد، نمی‌توان طرفداران مذاکره و تفاهم را نیز متهم کرد که به دنبال منافع خاصی هستند. به نظر من نباید اجازه دهیم فضای کشور، مانند مقاطع قبیل از جنگ دچار دوقطبی شود. طبیعی است که افراد و گروه‌های مختلف، حرف‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، اما باید همه را دعوت کرد که به دنبال منافع خاصی ادبیات سخیف پرهیز کنند و صرفاً استدلال‌های خود را مطرح کنند. چه بسا بخشی از سخنان هر دو طرف درست و قابل استفاده باشد.

◀ جمع بندی حاکمیت

وی در این خصوص که چرا تندروها به دنبال حمله و حذف برخی مسئولان هستند اظهار کرد: همان‌طور که عرض کردم، استفاده از اصطلاحات غیراخلاقی و اتهام‌زنی کاملاً مردود است. اینکه کسی دیگری را سازشکار، جنگ طلب، صلح طلب افراطی یا حتی متهم به فروش کشور کند، به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. این نوع ادبیات را باید کنار گذاشت. اما اگر متهمین به اصل استدلال‌ها بپردازیم، گروهی معتقدند که همان‌گونه که در گذشته نیز تجربه شده، طرف مقابل از مذاکرات به‌عنوان فرصتی برای آماده‌سازی جهت فشار یا حتی جنگ مجدد استفاده کرده است. از سوی دیگر، آنان می‌گویند آمریکا هیچ‌گاه به تعهدات خود عمل نکرده و نمونه‌هایی مانند توافق سعدآباد و برجام را مطرح می‌کنند. بر همین اساس معتقدند نباید به این روند اعتماد کرد و باید فشارهای نظامی به‌گونه‌ای ادامه یابد که طرف مقابل ناچار به پذیرش خواسته‌های حداکثری ایران شود. من در اینجا صرفاً دیدگاه آنان را توضیح می‌دهم و قصد داوری ندارم. ایمانی عنوان کرد: حاکمیت در نهایت به این جمع بندی رسیده که در مقطع فعلی مسیر تفاهم را دنبال کند. این تصمیم بر مبنای دلایلی اتخاذ شده که طبیعتاً برای مسئولان کشور قابل اعتنا بوده است. البته در چنین تفاهم‌نامه‌ای باید نهایت دقت به خرج داده شود تا با توجه به تجربیات گذشته، متن آن دقیق تنظیم شود و اجرای آن نیز به‌صورت گام‌به‌گام و همراه با نظارت انجام گیرد تا مشکلات گذشته تکرار نشود. از سوی دیگر، کشور باید همواره آمادگی لازم را حفظ کند تا اگر طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرد یا درگیری جدیدی را آغاز کرد، بتواند واکنش مناسب نشان دهد. این هم یک نگاه و رویکرد است. وی تأکید کرد: نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که منتقدان، فارغ از اینکه استدلال‌هایشان تا چه اندازه قابل پذیرش باشد، باید به یک سؤال پاسخ دهند. اگر آنان به ساختار جمهوری اسلامی و جایگاه رهبری اعتقاد دارند که عمدتاً نیز چنین است باید توضیح دهند که اگر قرار است توافقی با ایالات متحده آمریکا امضا شود، آیا این توافق بدون تأیید مقامات عالی‌رتبه کشور امکان پذیر است؟ اگر معتقدند چنین توافقی با تأیید مقام رهبری انجام می‌شود، در این صورت دیگر نباید به‌گونه‌ای سخن بگویند که گویی کشور دچار فاجعه شده است. اگر هم تصور می‌کنند رهبری با این روند مخالف است، اما دیگران چنین توافقی را به ایشان تحمیل کرده‌اند، این خود اتهام بسیار سنگینی است. همچنین اگر تصور کنند که رهبری مخالف این روند است اما توان جلوگیری از آن را ندارند، باز هم نتیجه چنین تحلیلی آسیب به ساختار نظام است.

یکشنبه ۳۱ • ۰۳ • ۱۴۰۵ ۶۹مهرم ۱۴۴۷/۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

سال هشتم شماره ۲۴۱۰

armanmeli.ir

«آرمان ملی» تحركات تندروها عليه تفاهم ايران و آمريكا را بررسي مي‌کند

تهدید رئیس جمهور به قتل در هیات عزاداری!

◀ محمد مهدی طباطبایی: مسئولان با عناصر مشکوک برخورد قاطع و قانونی کنند



گرفت و پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم مسعود پزشکیان، رئیس جمهور با تکی چند از وزیرانش مورد تخریب قرار گرفتند و با وجود همراهی و حمایت رهبر شهید تغییری در رفتار تندروها ایجاد نشد. حملات به شهید لاریجانی نیز حتی پس از انتصاب به دبیری شعام و پیش از شهادت از سوی تندروها ادامه داشت. گویی این جریان متصلب تندرو به کل خود را از حاکمیت جدامی داند و تصور می‌کند می‌تواند برای کشور، نظام و جامعه تصمیم بگیرد و همه را برای رفتار مطابق میل خود اجبار کند.

◀ تهدید به قتل رئیس جمهور

بامداد پنجشنبه بود که یادداشت تفاهم ایران و آمریکا از سوی روسای جمهور دو کشور به امضا رسید و با استقبال بسیاری از داخل و خارج روبرو شد. اما دو طیف از این تفاهم خشنود نشدند نخست؛ صهیونیست‌ها و دوم تندروهای داخلی و هر کدام اقدامات خود را برای از بین بردن این تفاهم آغاز کردند. هرچند که پیام رهبر انقلاب در خصوص روند اما در دولت شهید رئیسی نیز به‌رغم همسویبود با تندروها متوقف نشد و دامان شهید امیرعبداللهیان وزیر خارجه وقت را

نظر دیگری داشتیم ولی از باب تعهدی که رئیس جمهور محترم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح می‌قبول مسئولیت آن نمودند اجازه آن را صادر نمودم. از این لحظه ما یعنی شما ملتمس سرفراز و این خادم ناچیز منتظر تحقق شروط گفته شده خواهیم بود. این گفته رهبر انقلاب حجت را بر همه تمام کرد اما جریان خاص به جهت اینکه دنبال تنش و التهاب است، با استناد به بخش اول پیام رهبری که «نظر دیگری داشتیم» شروع به تخریب مسعود پزشکیان؛ رئیس جمهور؛ محمدباقر قالیباف؛ رئیس مجلس و رئیس هیات مذاکره کننده ایرانی و هم‌چنین سیدعباس عراقچی وزیر خارجه کردند. در آخرین مورد از این اقدامات محمدعلی بخشئی، مداح در مراسم عزاداری شب‌های محرم با اشاره به امضای تفاهم و تهدید مستقیم رئیس جمهور کشور به قتل گفت: «اگر شروطی که رهبری گفته محقق نشه، ما می‌دانیم و تیغ و حلقوم شما. پدرتو درمیاریم». اینکه هیات عزاداری ابداعی... الحسین چه جای طرح چنین مسائلی است به کنار

«آرمان ملی» از فروپاشی روابط ترامپ و نتانیاهو گزارش می‌دهد

پایان ماه عسل خونین!



سیاسی، از شدت گرفتن دوباره آتش درگیری بیمناک بودند. حتی کسانی که معتقدند باید درگیری ادامه می‌یافت و ایران با درهم کوبیدن مراکز نظامی آمریکا در منطقه و مراکز نظامی رژیم صهیونیستی درس خوبی به آنها می‌داد، به خوبی می‌دانند که این فقط یک سوی ماجرا است و سوی دیگر و البته تلخ‌تر ماجرا، ضربه به زیرساخت‌های کشور بود. زیرساخت‌هایی که نه فقط با سرمایه این مردم که با خون دل ساخته شده است. ترامپ و نتانیاهو به قدر وسع خود نشان داده‌اند که از چه مایه درنده‌خویی برخوردارند و اگر کار به زدن زیرساخت‌های می‌رسید و ایران هم در مقابل زیرساخت‌های کشورهای هم‌پیمان آمریکا در منطقه را از بین می‌برد، رژیم صهیونیستی در پوست خود نمی‌گنجید. از نظر رژیم صهیونیستی از بین رفتن قدرت کشورهای منطقه چیزی جز تثبیت قدرت این رژیم نبود.

آرمان ملی

armanmeli.ir

«آرمان ملی» تحركات تندروها عليه تفاهم ايران و آمريكا را بررسي مي‌کند

تهدید رئیس جمهور به قتل در هیات عزاداری!

اما پرسش اصلی این است که یک مداح چه حقی دارد و چگونه به خود این اجازه را می‌دهد که این چنین دومین مقام رسمی کشور را تهدید و خوراک رسانه‌ای رسانه‌های فارسی زبان بیگانه را فراهم کند؟ البته این مداح روز گذشته با انتشار ویدئویی اظهارات خود را صرفاً برای روشنگری برای حاضران در جلسه و بیان احساسات خوانده و گفته بحث تهدید نبوده است، اما باید سازوکاری فراهم گردد و اقدامات بازدارنده‌ای در نظر گرفته شود تا افراد در هر سطحی نتوانند مقامات و مسئولان کشور را مورد اهانت، اتهام، تخریب و تهدید قرار دهند.

◀ واکنش‌ها به تهدید رئیس جمهور

حبیب... عباسی مدیرکل روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری، در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «تهدید رئیس جمهور اسلامی ایران از منبر عزاداری، فقط تهدید یک فرد نیست؛ بی‌حرمتی به رأی میلیون‌ها ایرانی و خدشه به حرمت هیات است. منبر اهل بیت(ع) جای اخلاق و وحدت است، نه تهدید و خشونت. هیچ اختلاف سیاسی‌ای، توهمین به قانون و بی‌حرمتی به نام امام حسین(ع) را توجیه نمی‌کند». هم‌چنین محمد مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور در توتیتی نوشت: خاک بر دهانش باد کسی که در ظاهر مقدس کاری می‌کند که پسند دشمن است. فردگستاخی، رئیس جمهور شجاع و جان‌فدا را به قتل تهدید کرده است. برخورد قاطع و قانونی با عناصر مشکوک، خوسرد و متجاسری که جرات می‌کنند به دومین مقام کشور و منتخب ملت چنین بی‌پروا اهانت کنند وظیفه مسئولان ذی‌ربط است. در همین راستا علی زینی‌وند، سخنگوی وزارت کشور، نیز روز گذشته در حاشیه نشست خبری در واکنش به تهدید رئیس جمهور توسط یک مداح بیان کرد: او شوخی کرده اما ما این نوع ادبیات را در تریبون‌که متعلق به ماه محرم است و آن هم توسط یک مداح که حتی ممکن است فرد دلسوزی هم باشد قابل قبول نمی‌دانیم. آن هم تهدید شخص دوم کشور که مقام معظم رهبری در پیام خود هم به دلسوزی و هم به حسن نظر ایشان تأکید داشتند. این حرف و رفتار اصلاً قابل قبول نیست. تقاضای ما این است که این رفتارها کنترل شود. سخنگوی وزارت کشور در ادامه تصریح کرد: تقاضای ما از مداحان عزیز که نورچشمی ما هستند و صاحبان تریبون این است که از استفاده از این ادبیات در تریبون‌ها رسمی خودداری

کنند. چه جای طرح چنین مسائلی است به کنار

سیاست

گزارش

توافق ایران و آمریکا

آزمون واقعی در میدان تحریم‌ها و پول‌های بلوکه‌شده

پس از ماه‌ها جنگ و درگیری، یادداشت تفاهم اولیه میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا امضا شد. این سند که قرار بود روز جمعه با حضور محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران و جی دی ونس، معاون رئیس جمهوری آمریکا در ژنو به امضا برسد، پس از امضای الکترونیکی توسط روسای جمهور دو کشور لازم‌الاجرا و مراسم حضوری نیز لغو شد. اکو ایران نوشت: اولین جایزه بزرگ توافق صلح برای ایران را بازگشت درآمد‌های نفتی دانسته است. درآمد‌هایی که می‌تواند تا ۶ میلیارد دلار در سال نیز افزایش یابد. اولین نشانه از موج تازه صادرات نفت ایران در این هفته ظهور کرد؛ زمانی که چند نفتکش از بنادر کشور خارج شدند و از خط محاصره دریای آمریکا عبور کردند. وال استریت ژورنال این موضوع را نشانه‌ای از آغاز یک روند جدید صادراتی می‌داند. اما آن چیزی که بیش از پیش در روزهای اخیر مورد بحث است، چندوازه است که بیش از همه تکرار شده‌اند. «پول‌های بلوکه‌شده»، «صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری»، «تحریم‌های اولیه و ثانویه». این اصطلاحات در ظاهر آشنا به نظر می‌رسند، اما هرکدام پشت خود یک مناقشه سیاسی و اقتصادی چندده ساله را پنهان کرده‌اند.

◀ ایران از چه پولی حرف می‌زند؟

یکی از اصلی‌ترین مطالبات تهران در مذاکرات اخیر، دسترسی به منابع ارزی خارج از کشور بود. اما برخلاف تصور رایج، همه منابع ارزی ایران در خارج از کشور را نمی‌توان «بلوکه‌شده» دانست. اقتصاددانان و کارشناسان معمولاً میان سه نوع دارایی تفاوت قائل می‌شوند. نخست، درآمد‌های حاصل از صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی که به دلیل تحریم‌های بانکی امکان انتقال آنها به داخل کشور وجود نداشته است. دوم، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی که بخشی از آن توسط صادرکنندگان به چرخه اقتصادی کشور بازگشته است. سوم، ذخایری که ایران در سال‌های تحریم به کشورهای همسود منتقل کرده‌اند. دسترسی نظام مالی آمریکا دور پمانند. بر اساس داده‌های رسمی بانک مرکزی، ایران از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ حدود ۲۸۰ میلیارد دلار صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی و حدود ۳۵۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته است. بخشی از درآمد این صادرات به دلایل مختلف هرگز به اقتصاد ایران بازنگشته است. در سال‌های اخیر ارقام متفاوتی درباره حجم دارایی‌های مسدودشده ایران منتشر شده است. گزارش‌های وال استریت ژورنال و الجزیره مجموع این منابع را نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. وال استریت ژورنال می‌نویسد: رقم کل دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در کشورهای مختلف نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار عنوان شده که شامل بین ۲۰ تا ۵۰ میلیارد دلار در چین، ۱۵ میلیارد دلار در عراق، ۶ میلیارد دلار در قطر، ۷ میلیارد دلار در هند، ۷ میلیارد دلار در کره جنوبی، ۳ میلیارد دلار در ژاپن، ۲ میلیارد دلار در لوکزامبورگ، ۲ میلیارد دلار در آمریکا و یک میلیارد دلار در عمان ذکر شده است. با این حال با نگاهی به این ارقام و بسیاری از کارشناسان معتقدند این عدد بزرگ‌نمایی شده است؛ زیرا بخشی از منابع در این محاسبات دو بار شمارش شده‌اند. نمونه مشهور این ماجرا همان ۶ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران در کره جنوبی است. این پول در سال ۲۰۲۲ به قطر منتقل شد، اما پس از تشدید تنش‌ها دوباره تحت محدودیت قرار گرفت. در برخی برآوردها، این دارایی هم در کره جنوبی و هم در قطر محاسبه شده و عملاً دوبار در آمارها نشسته است. به همین دلیل برخی کارشناسان معتقدند رقم واقعی این دارایی‌ها که واقعاً در دسترس ایران نیست، به مراتب کمتر از ۱۰۰ میلیارد دلار است.

◀ ماجرای ۲۴ میلیارد دلار دارایی مسدودشده چه بود؟

یکی از مهم‌ترین بندهای اقتصادی تفاهم‌نامه ایران و آمریکا به موضوع دسترسی تهران به دارایی‌های مسدودشده خود در خارج از کشور مربوط می‌شود؛ منابعی که بر اساس برخی گزارش‌ها ارزش آنها در مرحله نخست به حدود ۲۴ میلیارد دلار می‌رسد و از نگاه مذاکره‌کنندگان ایرانی، یکی از مهم‌ترین توافق محسوب می‌شود. در روزهای گذشته رسانه‌های مختلف به نقل از گزارش‌های منتشرشده در الجزیره و منابع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده ایران مدعی شدند که سازوکار اجرایی دسترسی ایران به بخشی از این منابع وارد مرحله عملیاتی شده است. بر اساس این گزارش‌ها، قرار است این دارایی‌ها در قالب یک خط اعتباری قابل استفاده در اختیار ایران قرار گیرد؛ اقدامی که در صورت تحقق، نخستین گام ملموس در مسیر آزادسازی منابع ارزی بلوکه‌شده ایران پس از سال‌ها تحریم خواهد بود. سعید آجورلو، عضو کمیته رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده ایران، با استناد به ماده ۱۱ تفاهم‌نامه اعلام کرده است که در متن توافق تصریح شده «وجوه و دارایی‌های محدود یا مسدودشده ایران پس از اجرای کامل یادداشت تفاهم در دسترس قرار خواهد گرفت.» به گفته او، مذاکرات انجام‌شده با قطر عمدتاً بر طراحی سازوکاری متمرکز بوده که امکان دسترسی واقعی ایران به این منابع را پیش از اجرای تعهدات هسته‌ای و سیاسی فراهم کند؛ موضوعی که از منظر تهران اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تجربه‌های پیشین نشان داد که صرفاً اعلام منابع از یک کشور به کشور دیگر الزاماً به معنای دسترسی عملی به آنها نیست. با این حال، ابهام اصلی نه درباره اصل رقم ۲۴ میلیارد دلار، بلکه درباره محل نگهداری این منابع است. آجورلو تأیید کرده بخشی از این دارایی‌ها در قطر قرار دارد، اما تاکنون هیچ مقام رسمی ایرانی جزئیات کامل جغرافیای توزیع این منابع را اعلام نکرده است. از سوی دیگر، گزارش‌های منتشرشده در وال استریت ژورنال نشان می‌دهد تهران در مذاکرات اخیر آزادسازی مرحله‌ای دست‌کم ۲۴ میلیارد دلار از دارایی‌های خارجی خود را به عنوان اولویت نخست اقتصاد ایران دنبال کرده است؛ رقمی که به باور برخی اقتصاددانان می‌تواند در کوتاه‌مدت بر بازار ارز، ذخایر بانک مرکزی و انتظارات تورمی در اقتصاد ایران اثرگذار باشد، هرچند برای حل ریشه‌ای مشکلات ساختاری اقتصاد کشور کافی نخواهد بود. به همین دلیل، آنچه امروز بیش از رقم ۲۴ میلیارد دلار اهمیت دارد، پاسخ به یک پرسش کلیدی است: آیا این منابع صرفاً از حالت «بلوکه‌شده» خارج می‌شوند یا ایران امکان انتقال و استفاده از آذانه از آنها را نیز به دست خواهد آورد؟ تجربه منابع ۶ میلیارد دلاری قطر نشان داده فاصله قابل توجهی میان «آزادسازی روی کاغذ» و «دستیاری واقعی» به دارایی‌ها وجود دارد؛ فاصله‌ای که احتمالاً در هفته‌های آینده یکی از مهم‌ترین آزمون‌های توافق تهران و واشنگتن خواهد بود.